

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه سجده (جله سوم)

جله خانوادگی - اسناد اخوت ۱۶/۸/۹۷

سوره مبارکه سجده از سوره‌هایی است که دارای سجده واجب است. سوره‌های نجم، علق، فصلت و سجده دارای سجده واجب هستند. البته سوره‌های دیگری هم وجود دارد که دارای سجده مستحب هستند. این سوره‌ها، سوره‌های عزائم هستند و این چهار سوره برای عزم‌دار کردن ما خیلی مؤثر هستند. عزم یعنی اراده محکم داشتن. اگر کسی عزمش نسبت به کارهای جهادی و زندگی توحیدی ضعیف است، درمانش در این چهار سوره است.

خوب است، هرچند وقت یکبار این سوره‌ها خوانده شود و سجده هم برای آن انجام شود. سجده واجب در این سوره، در یک سوم اول سوره است و خیلی سریع به سجده واجب می‌رسید.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الم (۱) تَنْزِیْلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِیْهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ (۲)

خیلی سوره‌ای عجیب است. انسان وقتی در دنیا هبوط می‌کند، زمین برای او محل سجده می‌شود و خداوند ویژگی‌های این زمین برای سجده را می‌گوید. اولین خصوصیت آن بحث کتاب و نزول تدریجی کتاب برای انسان است. همه کتاب برای انسان محل سجده است.

ما هر کاری که انجام می‌دهیم باید رنگ و بویی از سجده داشته باشد. اولین چیزی که در این مسجدهای که برای انسان وجود دارد، خود کتاب و سازوکار نازل شدن تدریجی آن است. احکام به تدریج برای انسان نازل می‌شود.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لَتُنذِرَ قَوْمًا مَا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳)

دومین چیزی که در این زمین به انسان عطا شده است، نذیر است یعنی کسی که عهده‌دار تبیین این کتاب است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هیچ زمانی از این دنیا به این معنا که ما فکر می‌کنیم، نرفته‌اند. کتاب و اثر و پیام‌شان هست. زنده هستند و اینگونه نیست که نباشند. ایشان ارتباط با کتاب دارند و هر کسی قرآن را بخواند، پیام‌های قرآن می‌تواند از طریق پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به جان او بنشیند. این سروش غیبی را می‌تواند دریافت کنند. حقیقتی است جاری. دومین دستاورد زمین، نذیر است.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (۴)

سومین آن هم نظام اسباب و تدبیر است و فرآیند وقوع رخدادها که هیچ‌وقت از تدبیر ربوبی خارج نبوده است و خداوند آن را به کسی واگذار نکرده است. ممکن است کار شما را اسباب راه‌اندازی کند اما آن شفاعت و ولایت اصلی آن با خداست. انسان همیشه باید مطمئن باشد و بداند که هر آنچه را که در حال حاضر از آن استفاده می‌کند، ولایت و شفاعت اصلی‌اش از آن خداست. لذا اگر سببی کار نکرد، تعجب نکند. اینطور نیست که هر بیماری‌ای به مرگ منجر شود. اراده خداوند وابسته به اسباب نیست و خدا هست! این خیلی خوب است که انسان بفهمد، خدا هست.

در عین حال که تدریج هست و دوره‌هایی باید طی شود، افراد دارای سیر و مراحل هستند. تدبیر واگذار نمی‌شود. ما نوعاً احساس‌مان این است که خداوند مخلوقات را به وجود می‌آورد و در تعامل با اسباب، این اسباب هستند که کارها را پیش می‌برند. در صورتی که اصلاً اینگونه نیست. برخی از افراد به اشتباه می‌گویند خداوند علت تامه است و بقیه علت‌ها علت مُعَدّه هستند! در صورتی که اصلاً بقیه علت نیستند، علت فقط خداست و بقیه نظام اسباب هستند چون می‌گویند: «ما لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ»؛ «شفیع» یعنی آن کسی که منجر می‌شود کاری انجام شود و «ولی» یعنی کسی که حکم صادر می‌کند. «شفیع» یعنی سبب یعنی به شفاعت آب سیراب می‌شوم. نظام اسباب را خداوند را در سیستم تدریج قرار داده است و دست خود را از این‌ها کوتاه نکرده است. باید از این وضعیت دعا بلندپروازانه از خدا بخواهیم! خدا می‌دهد اما بستگی دارد که چه کسی چه چیزی بخواهد. او اما دست‌ش بسته نیست.

«أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ» یعنی نیاز دارد که این موضوع ممارست شود و در صحیفه ذکر فرد قرار گیرد. آدم از اسباب استفاده می کند و وظیفه استفاده از آن را هم دارد اما واقعا اسباب هیچکاره هستند. انسان این را نمی فهمد. باید در دعاها ایمان از خدا بخواهیم که این را به ما نشان بدهند. یکی از دعاها ایمان این است که خدا خودت را جوری به نشان بده که بفهمیم اسباب هیچ کاره اند. این یکی از دعاهای علما بوده است. چشمی می خواهم که اسباب را نبیند و فقط تو را ببیند.

ما برای رویت خدا، کم دعا می کنیم، در حالی که باید دعای روزانه ما باشد. باید بگوییم خدایا می شود امروز خودت را به ما نشان دهی؟.. ما باید هر روز، خدا را متفاوت از روز قبل ببینیم و این برای ما تبدیل به دعایی دائمی - شود. این باعث تقویت توحید در انسان می شود و رابطه فرد را با اسباب میزان می کند.

می شود که کسی غذا نخورد و سیر شود. اگر انسان این را بداند، می فهمد که اصلا بعید نیست و در هیچ حالتی ناامید نمی شود. کسی هم سعی نکند خدا را امتحان کند! این خوب نیست. اطمینان پیدا کردن، بد نیست.

فهم این داستان وقتی اتفاق می افتد که:

يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ (۵)

در زمانی که به انسان مهلت داده شده است، در جایی این مهلت تمام می شود و وارد فضای دیگر می شود. هر روز در آنجا هزار سال طول می کشد.

تفاوت اعداد می تواند به تفاوت مراتب باشد. حرکت متفاوت می شود و در آنجا فعلیت تام است. در دنیا هر صفتی را می توان به راحتی تغییر داد اما در آنجا تغییر وضع و صفت و تحول خیلی معنا ندارد.

«یوم» در قرآن به معنای شبانه روز است. لیل و نهار، یک یوم است. در یوم ظهور و آشکار شدن اهمیت دارد.

ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۶) الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ (۷)

ثُمَّ جَعَلْنَا نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (۸)

امکاناتی که به انسان داده شده است. تدبیر ربوبی و اجل و ... و اینکه انسان از طین است و از آسمان و زمین بهره دارد. نسلش از سلاله من ماء مهین است و به وسیله آبی، انتقال ویژگی در او صورت می‌گیرد. «سلاله» به معنای عصاره است.

فضای سوره گویی شبیه این است که کسی از عرش، زمین و انسان و شرایط او را می‌بیند. ماهیت او را کلی می‌بیند و اینکه به او چه چیزهایی داده شده است. از عرش که نگاه می‌کنید:

ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۹)

یک تسویه در او اتفاق افتاده است. روح خدا را دارد و هر انسانی دارای نفخه روح الهی است و استثناء نیز ندارد. هر کسی روح خدا را با خود حمل می‌کند. کجا به دنبال خدا می‌گردی غیر از خودت؟!

ظرفیت گیرندگی انسان‌ها از روح و بهره‌اش متفاوت است.

«سمع» به معنای گوش است که دریافت‌کننده الهامات و وحی است. ابصار دارد، خیال دارد و انواعی از بصر. «افئده» دارد یعنی قلبی که دارای داد و ستد است. قلب پخته و تجربه کرده است. قلب به دلیل داد و ستدش می‌شود، «فؤاد» و برخی می‌گویند به خاطر تجربه‌اش و پختگی‌اش «فؤاد» است. به نظر می‌رسد «فؤاد» زمانی مطرح است که علاوه بر داد و ستد، دارای عواطف است و عواطف و محبت در آن وجود دارد. مثل طفلی که وقتی پدر و مادرش را درک می‌کند با محبت درک می‌کند.

شیطان در نفخه روح راه ندارد اما در تداخلات سمع و بصر و افئده هست. روی سمع و ابصار و افئده، تسویل و تزئین انجام می‌دهد. می‌گوید این هم درست است ببین و بشنو و دوست داشته باشد و او به اعتبار اینکه این امر وجودی است دوست می‌دارد و می‌شنود، در حالی که اینگونه نیست و خود را در کنجی اسیر می‌کند. انسان دارای عواطف لایه لایه است. در طفل این موضوع را به خوبی می‌توان دید. طفل پدر و مادر و خاله و ... را هر کدام را یک جور دوست دارد.

سمع به کلام و گزاره باز می‌گردد و واحد است. ساختار کلام خیلی ثابت و ساده است و تنوع ندارد.

آیه ۱۰ به بعد داستان جهنم را می‌گوید و بخش سخت سوره همین قسمت است.

از هیچ انسانی در هیچ حالتی نباید ناامید بود. احتجاج حضرت موسی (علیه السلام) و فرعون و صحبت با او، با امید صورت می‌گیرد. شکستن بت فرعونیت، او را هدایت می‌کند.

اگر کسی از عرش بپرسد انسان باید چه مسیری را برود، می‌گویند انسان باید مسیر شکر را برود. یعنی هر نعمتی را بشناسد و قدرش را بشناسد و بر اساس آن عمل کند. راه معلوم است. همه نعمت‌ها را هم در اینجا نمی‌گویید بلکه «سمع» و «ابصار» و «افتده» را می‌گویید. اگر کسی بتواند نعمت سمع و ابصار و افتده را بشناسد و آن را پاسداری کند و بتواند با آن برنامه‌ریزی صحیحی داشته باشد، او را «شاکر» می‌گویند. این دومین دعایی است که باید داشته باشیم. سلامت سمع و ابصار و افتده. از خدا بخواهیم که این سه را حفظ کند و عافیت دهد.

وَقَالُوا إِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ (۱۰)

انسان نسبت به لقاء پروردگارش غافل می‌شود. کسی که لقاء رب‌اش را در هر لحظه منکر باشد، طبیعتاً لقاء رب‌اش را در روز قیامت نیز انکار می‌کند. دو تا حرف است و «بل» می‌آورد؛ «بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ»

قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (۱۱)

وقتی می‌خواهید ملکی دارید که این ملک مأمور است روحتان را به سر جای خود بازگرداند. اما ملک الموتی وجود دارد که وقتی این روح را می‌گیرد، دیگر باز نمی‌گردد!

«ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ»: گویی بدن به آن روح باز می‌گردد اما در هنگام خواب برعکس است و روح به جسم باز می‌گردد. هر کسی که روز قیامت و لقاء پروردگارش را باور ندارد، چرتی بخوابد! در اثبات مرگ یک چرت کافی است.

جسم به سمت روح می‌رود و بدن می‌ماند و بدن همان چیزی است که تبدیل به خاک می‌شود و البته در این موضوع اختلاف است. معاد جسمانی و این بحث خیلی کاربردی نیست اما به طور قطع بدن انسان بازسازی می‌شود اما جنس آن متفاوت خواهد شد، چون قواعد آن متفاوت می‌شود.

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ (۱۲)

بحث سمع و بصر مجدداً مطرح می‌شود.

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۳)

هضم این آیات نیاز به تفکر زیاد دارد. شما نگران چه چیزی هستید؟ اگر خدا می‌خواست همه را هدایت می‌کرد. ولیکن خدا در جاهایی صدای انسان را در می‌آورد! اگر می‌خواستیم همه را هدایت می‌کردیم اما جهنم را از جن و انس پر می‌کنیم. چرا خدا باید چنین کند، اگر خدا رحمان و رحیم است و همه صفات اسماء و حسنی برای اوست؟! در عوض آن جهنم را پر از جن و ناس کند! هر چه که هست به این نوع خلق کردن می‌ارزیده است. اینگونه سمع و بصر و افنده دادن و اینکه به او امکان انتخاب داده شده است می‌ارزیده است که حتی جهنم را پر از جن و انس کند! در واقع در حال بیان ارزش این مفهوم است. اگر همه جهنم را از جن و ناس پر کند می‌ارزید و درست بود و نظام احسن این بود که نظام انسان به این شکل باشد. یعنی اگر من هدایت شوم، قیمت این هدایت این است که جن و انس در آتش قرار بگیرد.

حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) به این قضیه خیلی تأکید داشته‌اند که اگر اسلام فقط در دستاوردهایش، یک امیرالمؤمنین (علیه السلام) داشت، به تمام ثمراتی که بنا بوده است برسد، رسیده است! خاصیت هدایت اینگونه است و پروازی به انسان می‌دهد که در ازای این پرواز هرچقدر هم افراد مانده باشند، اشکالی ندارد.

علم خداوند هم در اسماء ذات است و هم در اسماء فعل است. این آیاتی که قرائت می‌شود در ناحیه اسماء فعل است و نه در ناحیه اسماء ذات. نظام اختیار اینگونه است که خدا می‌داند نهایت این داستان چیست اما خاصیت اختیار این است که می‌تواند یکی از این دو را انتخاب کند.

هر کسی خوب می‌شود به خوبی نزدیک و به همان مقدار از بدی دور می‌شود. خاصیت این نظام این است که در تضاد خوب و بد قرار می‌گیرد. در این نظام، جهنم همان بدی‌های انسان‌هاست.

غیر ممکن است که کسی بد باشد و در این دنیا سختی نداشته باشد. البته ممکن است طبق سوره حج، این‌ها دچار حالت سکاری باشند و مست باشند اما وقتی از حالت مستی خارج می‌شود، دردش باقی است.

هر کسی کم فروش است، حتماً حالش بد است. آدم‌ها تظاهر به خوب بودن می‌کنند. این موضوع گاهی در خواب- هایشان مشاهده می‌شود.

خدا هست و هیچگاه از من غائب نمی‌شود. خدا هست که من هستم!

فَدُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۴)

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۱۵)

تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۱۶)

این آیات خیلی عجیب است. این افراد گویی خیلی با خواب میانه‌ای ندارند و بسترهایشان را از خواب تهی می‌کنند. تعبیر جالبی است. «ینفقون» یعنی اینکه شکاف‌های اجتماعی را می‌بینند و توان پر کردن این شکاف‌ها را دارند.

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۷)

أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ (۱۸)

در دعای کمیل به آیات اشاره شده است؛ «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا». «فسق» در اینجا یعنی اینکه انسان مؤمن نباشد یا ذکرش تو خالی باشد! به اندازه‌ای که انسان حال و هوایی نسبت به ذکر خدا نداشته باشد، فسق در او جاری است و یک نحو شکاف است. به اندازه فاصله داشتن از ایمانی که در آیات ۱۵ و ۱۶ گفته شد، انسان فاسق می‌شود. فسق در اینجا از ایمان فاصله دارد. اینکه هر هفته‌ای و ماهی و سالی ببینیم، این حس سجده در ما ایجاد می‌شود و پهلوهایمان از رختخواب کنده می‌شود یا خیر.

ما برای خودمان بهانه‌های مختلف ایجاد می‌کنیم و برای خودمان بهانه‌ها می‌چینیم.

### دعاها و حدیث کساء

نمی‌دانم چه حاجت‌هایی ممکن است داشته باشید اما می‌خواهیم حدیث شریف کساء را، بخوانیم. برای اینکه آماده شوید، هرکسی چهارده نیت و حاجت داشته باشد به قصد چهارده معصوم (علیهم السلام) و هر فرد خودش نیت کند. برای هر حاجت، یکی یکی ائمه (علیهم السلام) را در ذهن بیاورید، مانند دعای توسل.

✓ برای اینکه ان شاء الله سربازهای خوبی برای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشیم و ایشان بتواند روی ما حساب کند و ظهور آقا هرچه سریع‌تر اتفاق بیفتد و هرچه که در مورد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است اتفاق بیفتد، (این را به عنوان حاجت اول قرار می‌دهیم) و همینطور در مورد رابطه ما با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و رابطه ما با عالم، جهت اجابت حاجت اولمان، صلواتی بفرستید.

✓ از امیرالمؤمنین (علیه السلام) بخواهیم که قدردان علماء و مراجع و ولایت فقیه باشیم. ارزش های دینی و شهدا و آنان که به گردن ما حق دارند و ما را شیعه کرده اند و کسانی که از پیش از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تا بعد از ایشان، دین را به دست ما سپرده اند را می سپاریم به امیرالمؤمنین (علیه السلام). برای اجابت این دعا هم صلواتی ختم بفرمایید.

✓ عاقبت بخیری از پدر و مادرها و قدردانی از آنها و اصلاح نسل و ذریه و داشتن پیوند توحیدی و اصلاح اعوجاج های زندگی و بحث خانواده. ان شاء الله این دسته از حاجات نیز برآورده شود، صلواتی ختم بفرمایید.

✓ حاجت چهارم را این قرار دهیم که ان شاء الله خلق مان حسن شود و صفات رذیله از ما برداشته شود و بفهمیم اخلاق حسنه چیست و حُسن هایی که در پیامبر اکرم و اهل بیت (علیهم السلام) بوده است برای ما نمایان شود. خیلی وقت ها نمی دانیم حسن چیست. برای اینکه ان شاء الله بفهمیم حسن و اخلاق حسنه چیست و هم اینکه در زندگی مان جاری شود، دعای چهارم خود را می گذاریم رزق و خلق حسن و هر آنچه که حسنه است، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

✓ دعای پنجم مان که مربوط به امام حسین (علیه السلام) است، این است که روحیه مقاومت، صبر و فرعون ستیزی و همینطور روحیه امر به معروف و نهی از منکر در عالم، در ما تقویت شود. برای تبدیل شدن قیام به قیام جهانی و هر آنچه که مربوط به قیام است و همینطور برای بر طرف شدن هر آنچه که تنبلی ها و کرختی ها را می آورد و ما را خودخواه و پرخور و پر خواب و بی عرضه می کند، ما را اهل عمل نمی کند و هر آنچه در مواردی مشابه است، به اباعبدالله (علیه السلام) متوسل می شویم. او پدر قیام است و ان شاء الله همه حوایج اینگونه ما اجابت شود، صلواتی ختم بفرمایید.

✓ دعای ششم مربوط به امام سجاد (علیه السلام) است و طبعاً مربوط می شود به نوع عبادت های ما. مربوط می شود به سطح رابطه ما با خدا و زینت دادن به این ارتباطات و فهم عبودیت و عبادت و اینکه بتوانیم یک امام سجاد در زندگی خود داشته باشیم. بحث سجده و زمین برای مان مسجد شود و هر جایی محل عبادت شود. و اینکه هر دعایی که می خواهید از امام سجاد (علیه السلام) داشته باشید، بالاخص بیمارها که احساس می کنند دعایشان در مورد بیمارها مستجاب است، همه این موارد را در یک دسته قرار دهیم و برای اجابت آن صلواتی ختم بفرمایید.

✓ دعای هفتم مربوط می شود به امام باقر (علیه السلام) که باقر علم هستند، شکافنده علم. خیلی از مشکلاتی که ما داریم به خاطر نداشتن علم است. ما خیلی از اطلاعات را علم می دانیم، در حالیکه علم نیست. برای اینکه ان شاء الله خلل و فرج های علمی مان پر شود، صلواتی ختم بفرمایید.



- ✓ خدارا شکر که خدا به ما دوازده امام داد. به تعداد دوازده امام می‌توانیم بهشت‌های مختلف داشته باشیم از جمله امام صادق (علیه السلام) که یکی از درب‌های بهشت هستند و اگر کسی موضوع تبلیغ دین به زبان‌های مختلف در ذهنش است و دلش می‌خواهد دین خدا را در وسعت تاریخ و زمین انتشار دهد، باید برای آن به امام صادق (علیه السلام) توسل پیدا کند. ان شاء الله این دسته از حوائج اجابت شود، صلواتی بفرستید.
- ✓ دعای بعدی با توسل به امام کاظم (علیه السلام) است. ابعاد وجودی ایشان خیلی زیاد است اما یکی از ابعاد وجودی ایشان حفظ و صیانت از دین است و هر زمانی این موضوع به شکلی بوده است. اینکه بتوانیم تشخیص بدهیم در هر زمانی موقعیت خاص حفظ دین به چه صورت است و بتوانیم در آن عرصه‌ها قدم برداریم، مربوط به ایشان می‌شود؛ مدبرانه در عرصه‌ها وارد شدن! ان شاء الله تدبیرمان روشن شود و بتوانیم وظایف‌مان را به موقع تشخیص دهیم. اگر کسی در زندان هوای نفس‌اش، زندانی شده باشد و عقلش در گیر فلان مسائل و محبوس هوای نفس باشد، نمی‌تواند! برای اینکه از این مصائب نجات پیدا کند و همگی کاظمی شویم، صلوات بعدی را بفرستید.
- ✓ امام رضا (علیه السلام) مربوط به لذت‌های درونی معنوی است که از سر رضایت و خرسندی و تطبیق با حق است. اینکه انسان در حالتی که هست، دلش خوش باشد حتی در بلاها. اشتباهی عبادت و به بهشت رفتن را تقویت می‌کند. این‌ها را به امام رضا (علیه السلام) بسپاریم و صلواتی ختم بفرمایید.
- ✓ دعای بعدی مربوط به امام جواد (علیه السلام) است. همه امام جواد (علیه السلام) را به بخشندگی و اینگونه مسائل می‌شناسند. مهیا شدن بستر زندگی برای هدایت؛ حالا یکی با خانه‌دار شدن است، یکی با بچه‌دار شدن و دیگری با ازدواج کردن یا رفع پریشانی. در واقع تفصیل در نجات پیدا کردن در بستر دنیا و فهم اینکه گره زندگی فرد کجاست. برای اینکه ان شاء الله این دسته از حوائج به هدف اجابت برسد، صلواتی ختم بفرمایید.
- ✓ از امام هادی (علیه السلام) که به سمت امام عسکری (علیه السلام) و حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌رویم، بحث ظهور اجتماعی و حاکمیت خیلی مهم می‌شود. برای اینکه بتوانیم جمع توحیدی را رقم بزنیم و بتوانیم خودمان جزئی از امت توحیدی شویم و اینکه ذهن و روان و جان‌مان به سمت جمع‌گرایی پیش برود و نیز تمام حاجاتی که در این مورد برای مردم‌مان و کشورهای دنیا است و برای اینکه امت واحد شوند، نیت می‌کنیم. جهت اجابت این حوائج به وسیله امام هادی (علیه السلام)، صلواتی ختم بفرمایید.
- ✓ امام حسن عسکری (علیه السلام) مربوط به می‌شود به منافی که توسط امت نصیب انسان می‌شود و تا او، امت نشود، عاید انسان نمی‌شود. ممکن است از دنیا برویم و بعد به مردم دنیا برسد اما حتما باید انسان، امت شود! ایجاد شبکه‌هایی که منافعشان را ببینیم و داشتن سور که برای ما هیمنه و هیبت می‌آورد و رسیدن به خیلی از درجات معنوی، منوط به این موضوع است. برای برآورد شدن آن، صلواتی بفرستید.

✓ برای اینکه ان شاء الله حجت طلبی در ما روشن شود و هیچ کاری را در زندگی بدون حجت عقلی و شرعی انجام ندهیم و اینکه حجت را اقامه کنیم یعنی به مردم آن را آموزش بدهیم. افرادی که معیار ندارند و انواعی از سردرگمی‌ها را دارند، به خاطر همین حجت نداشتن است. ان شاء الله از همه این حیرت‌ها و سرگشتگی‌ها رها شویم و همه دعاهایی که در این دسته است و ما آن فراموش کرده‌ایم و ذکر نشد، اجابت شوند، صلواتی ختم بفرمایید.

❖ قرائت حدیث شریف کساء

تعجیل در فرج امام زمان (عج) صلوات